

تولستادی من شدوه اهل شدوا سقیها و شادی الذي شدو شفا من الادی  
یا فیه طرنا سیرا کما فرجه شدوه اذا انشدت سیرا و سیرت ندره صوب کاف  
و شالی الشادی قرآن لقا من باضه الملاح و الاصح من الفصح صدور  
ارمن بالکرمه نکر اذ کان علی الشیخ

فویکبر و هدم از روی تیر آفتاب لافنی الاعلی در سینه خود کرد نقش و در  
از هر چه می بختی در آفتاب چون تو صدونی سفت صفای زین هر دو طرف  
از حق که از هیچ در آفتاب که رفتی از شش خرام که سارم اشیا زاده  
خیالی من شود هر دم تصور آفتاب در قیامت چون رسد ز شرت که ز خلق  
جامه کو در کج روضه کو تر آفتاب یکی در مغرب با بکر دیدی برای هاشم که زنده  
اورا بجان خنقاد و جا کز آفتاب نوری کشد صفا صدم عالمی بی یقین شد  
مگر از خاک در کج هوش آفتاب پای تا سر غرق تو معرفت می کشی نکونیا  
زایده با مهرش زاده آفتاب اوم اولی و خاتمه امضیا صفت تمام  
منافق با صلب اسلام صائب اسد الله العالی علی بن ابی طالب سلام  
علیه و علی من تقرب الیه و از سخن او که مقبول لجا کله و سیرت و سلمت صفا  
مشرق و مغرب سب العالی سر از روح و اقیانوس اوار یعنی گشتن صفا  
دیوان اشیا حقایق از شکر که می شایه تکلف و بی رایه لصلف اسفانی  
برادر اولک حقایق و همین بر از حقایق دقایق من بجای آیت غراب  
ترتیب آفتاب غایب کتاب خجسته عقایق احکام دقایق حکایت  
حقایق احکام دقایق بر طریقه سیرت تمام سز سیرت مجبور سینه مطهری بر صد  
بر کفر من صواعق اذکار و اوزاع حکمة و جوامع آثار و قوام غرور بدارس  
تربل محاسن بطله معارف تاویل نور کس سیرت از اولک توحید مدار کفر  
مسالک تجید ملامت لفظه کانی بر از جوهر لطافت بگری جزای لای معارف  
من شود ای مباحث هوادی تمیز هوادی فصاحت غوادی جسته جوار  
انبار زاده و صلبت ظهور زینا تو با هر صولت و کیمیا می که قلب ناقص الصلوة  
نوشیه کمال سادعین میانی که کشید با چه حجاب دار لاله وصال ازین شد  
بشارت از بار صبا بر غرور سراسر بار و خاب و دعوه دشانی منا جاش معانی شایسته  
معالی می جاش معانی فضیله فواید الهام زواید نعمت و عواید انعام هوایه  
نوعیه

آدن

در طرف هر طرف الف الف امر از منج و در سواد و دانش صنوف انوار منج  
آفتاب حقیقت از بروج ارقام اولام و ظاهر و معانی آیات مانند اهل البیت  
کامل و ظاهر از لطافت احوال و طایف شجسته صحایف اخبار خلافت جسته  
صنوعت عبادت وصول خجسته حصول اشیا با اصول لطیفه و سر کمال کلام  
خاتمه الاولی است که لفظ اخص خواص انسان است و ارتفاع و تحلیف لطیف  
انسان بر طبق مرتبه است در کمال نقصان و چون کمال صوری و معنی کمال  
مانند آفتاب لامع است کلام حقایق نظامش مطابق آن واقع است  
شایه که همش غلام و همش کینه تا طاق کمال است قرآن عزیز که قدر کلام  
اورا فتح است چه دور در خانه کج خدای ما زنده عزیز و چون زنده خاک و قطره  
بی مقدار حسین بن معین الدین میبای روح الله علیه بالفضل المرحوم در  
اوقات کمال اوسته چه با بل محبت از شست بشت ارفاع غیب شایسته  
منزه از ریب رسیده کاین رفیع ایران و سبب معینه ان از سز میباید  
نوشته و شمع سعادت امیری را در ارضی قابلیات می باید گشت جبارین  
مقدمه قدم درین بحر عمیق نهادم و در مدینه علم انبیا تحقیق گشت و در  
تفصیح مقاصد و توضیح معانی آن نصب سبب از او ان بودم و حاضر از اولک  
والعز و اجتناب از الطناب و اسباب الزلزل محمود شش این نظم  
اوروشته ز کفر دار و جهان میان هر مخالفه ذکر با اینهمه تا کمون سیرت  
ترتیب فواید و سوان معانی همگی که هر چند بعضی معلوم نیست که این  
بجز از خاشاک شکر غیر صافیست لکن کیمیا سیرت است و است برادر دنیا  
و عیبی کافیت شش این کتاب هر چند هر دم از سمان از سمانا  
سر زاری باشد از نالی من چون سخن کیم زعفران کمان دوش نیست  
بای در دامن گشته فکر فلک جانی من بهر صافی او سزا قدم گشته زمان  
تا کله و غیره شش ظاهر از اجزای من طبع من با گشت چون در بار فیض من کرمی

در کمال نقصان و چون کمال صوری و معنی کمال  
مانند آفتاب لامع است کلام حقایق نظامش مطابق آن واقع است  
شایه که همش غلام و همش کینه تا طاق کمال است قرآن عزیز که قدر کلام  
اورا فتح است چه دور در خانه کج خدای ما زنده عزیز و چون زنده خاک و قطره  
بی مقدار حسین بن معین الدین میباید روح الله علیه بالفضل المرحوم در  
اوقات کمال اوسته چه با بل محبت از شست بشت ارفاع غیب شایسته  
منزه از ریب رسیده کاین رفیع ایران و سبب معینه ان از سز میباید

در کمال نقصان و چون کمال صوری و معنی کمال  
مانند آفتاب لامع است کلام حقایق نظامش مطابق آن واقع است  
شایه که همش غلام و همش کینه تا طاق کمال است قرآن عزیز که قدر کلام  
اورا فتح است چه دور در خانه کج خدای ما زنده عزیز و چون زنده خاک و قطره  
بی مقدار حسین بن معین الدین میباید روح الله علیه بالفضل المرحوم در  
اوقات کمال اوسته چه با بل محبت از شست بشت ارفاع غیب شایسته  
منزه از ریب رسیده کاین رفیع ایران و سبب معینه ان از سز میباید